****

[ادامه بحث اطلاق روایات در شرطیت ذبح در منا 1](#_Toc489373245)

[تجدید نظر در دلالت برخی روایات 2](#_Toc489373246)

[دوشبهه راجع به اطلاق در امر به ذبح 6](#_Toc489373247)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث اطلاق روایات در شرطیت ذبح در منا

عرض شد که ظاهر برخی روایات، شرطیت مطلقه ذبح در منی است و لکن اشکال عامی وجود دارد مبنی بر این که مواردی که قیود مستحدثه در عصر غیبت در زمان شارع عرفا قابل تبیین نبوده، مقدمات حکمت برای انعقاد اطلاق، حاصل نمی شود، زیرا در این موارد امکان تقیید نیست و نمی توان از عدم التقیید، اطلاق گیری کرد و در این روایات هم فرض عذر عام از ذبح در منی، فرضی نبوده که در زمان شارع قابل تبیین برای مردم بوده باشد و شاید شرطیت مطلقه نسبت به ذبح در منی منظور نظر شارع نبوده باشد، بر خلاف اعذار خاصه و اگر می فرمودند شرطیت ذبح به منی لمن استطاع است، و از طرفی در اعذار خاصه شرطیت مطلقه قائل بوده باشند، مردم متوجه نمی شدند و نسبت به اعذار خاصه نیز تقیید می فهمیدند.

لذا احتمال فرق بین عذر خاص و عام می رود. و لذا در باب اجاره گفته اند که اگر مستاجر از استیفاء منافع معذور شود، اگر عذر خاص باشد، سبب انفساخ اجاره نمی شود، اما اگر عذر عامی باشد که قابلیت عین للمنفعة از بین برود، اجاره منفسخ نمی شود.

لذا ما معتقدیم ادله شرطیت ذبح در منی نسبت به وضع امروز که از ذبح به منی در ایام تشریق، لااقل حرج نوعی و حتی گاهی عجز شخصی وجود دارد، اطلاق ندارد و لذا باید به اطلاقات ذبح رجوع می کنیم و در نتیجه می توان در هر مکانی ذبح نمود.

البته ما می گوییم باید در حرم ذبح شود، به سبب آیه ثم محلها الی البیت العتیق.

### تجدید نظر در دلالت برخی روایات

راجع به روایات، تجدید نظری کردیم و دیدیم چند روایتی که دلالت آن را پذیرفتیم نیز مبتلی به اشکال دلالی است:

معتبره عبد الله بن زرارة: مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْكَشِّيُّ فِي كِتَابِ الرِّجَالِ عَنْ حَمْدَوَيْهِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَارَةَ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَيْهِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَارَةَ وَ ابْنَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اقْرَأْ مِنِّي عَلَى وَالِدِكَ السَّلَامَ- وَ قُلْ إِنَّمَا أَعِيبُكَ دِفَاعاً مِنِّي عَنْكَ- فَإِنَّ النَّاسَ وَ الْعَدُوَّ يُسَارِعُونَ إِلَى كُلِّ مَنْ قَرَّبْنَاهُ- وَ حَمِدْنَا مَكَانَهُ بِإِدْخَالِ الْأَذَى فِيمَنْ نُحِبُّهُ وَ نُقَرِّبُهُ- إِلَى أَنْ قَالَ وَ عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ السِّتَّةِ وَ الْأَرْبَعِينَ- وَ عَلَيْكَ بِالْحَجِّ أَنْ تُهِلَّ بِالْإِفْرَادِ- وَ تَنْوِيَ الْفَسْخَ إِذَا قَدِمْتَ مَكَّةَ فَطُفْتَ وَ سَعَيْتَ- فَسَخْتَ مَا أَهْلَلْتَ بِهِ وَ قَلَبْتَ الْحَجَّ عُمْرَةً- وَ أَحْلَلْتَ إِلَى يَوْمِ التَّرْوِيَةِ- ثُمَّ اسْتَأْنِفِ الْإِهْلَالَ بِالْحَجِّ مُفْرِداً إِلَى مِنًى- وَ اشْهَدِ الْمَنَافِعَ بِعَرَفَاتٍ وَ الْمُزْدَلِفَةِ- فَكَذَلِكَ حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ ص- وَ هَكَذَا أَمَرَ أَصْحَابَهُ أَنْ يَفْعَلُوا أَنْ يَفْسَخُوا مَا أَهَلُّوا بِهِ- وَ يَقْلِبُوا الْحَجَّ عُمْرَةً- وَ إِنَّمَا أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى إِحْرَامِهِ- لِسَوْقِ الَّذِي سَاقَ مَعَهُ فَإِنَّ السَّائِقَ قَارِنٌ- وَ الْقَارِنُ لَا يُحِلُّ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ- وَ مَحِلُّهُ النَّحْرُ بِمِنًى فَإِذَا بَلَغَ أَحَلَّ- هَذَا الَّذِي أَمَرْنَاكَ بِهِ حَجُّ التَّمَتُّعِ فَالْزَمْ ذَلِكَ- وَ لَا يَضِيقَنَّ صَدْرُكَ- وَ الَّذِي أَتَاكَ بِهِ أَبُو بَصِيرٍ مِنْ صَلَاةِ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ- وَ الْإِهْلَالِ بِالتَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ- وَ مَا أَمَرْنَا بِهِ مِنْ أَنْ يُهَلَّ بِالتَّمَتُّعِ فَلِذَلِكَ عِنْدَنَا مَعَانٍ- وَ تَصَارِيفُ لِذَلِكَ مَا يَسَعُنَا وَ يَسَعُكُمْ- وَ لَا يُخَالِفُ شَيْ‌ءٌ مِنْ ذَلِكَ الْحَقَّ وَ لَا يُضَادُّهُ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. [[1]](#footnote-1)

اشکال ما به دلالت معتبره این است که؛

اولا: این روایت در مقام بیان نیست، حضرت به عبد الله بن زرارة فرمود به پدرت زرارة سلام برسان و به او بگو عیب جویی من از او به سبب حفظ جان ووست و به پدرت بگو برای حج، احرام حج افراد ببندد و قصدش این باشد که بعد از طواف و سعی، به عمره تمتع عدول کند (این نوعی از انواع نیت حج تمتع است که در دل و زبان قصد حج افراد شود، اما قصد عدول به عمره تمتع داشته باشد) و بعد توضیح می دهد که چرا حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حج تمتع عدول نکرد، چون قارن بوده است و باید هدی او به محل خود که منی است می رسید و لذا در مقام بیان از جهت مورد نظر بحث ما نیست.

ثانیا: مسلما در حج قران اگر حاجی نتواند در منی قربانی کند، باید در غیر منی قربانی کند، زیرا اشعار و تقلید کرده و هدی او لله و من شعائر الله شده و نمی تواند آن را برگرداند و بجای آن روزه بگیرد و لذا شمول این روایت نسبت به حج تمتع محل اشکال است.

صحیحه منصور بن حازم: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ لَمْ يَصُمْ فِي ذِي الْحِجَّةِ حَتَّى يُهَلَّ هِلَالُ الْمُحَرَّمِ- فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ وَ لَيْسَ لَهُ صَوْمٌ وَ يَذْبَحُهُ بِمِنًى.[[2]](#footnote-2)

اشکال دلالی روایت این است که احتمال می رود این قربانی، کفاره ترک صوم باشد، نه هدی الحج

روایت ابراهیم الکرخی: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ قَدِمَ بِهَدْيِهِ مَكَّةَ فِي الْعَشْرِ- فَقَالَ إِنْ كَانَ هَدْياً وَاجِباً فَلَا يَنْحَرْهُ إِلَّا بِمِنًى- وَ إِنْ كَانَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ فَلْيَنْحَرْهُ بِمَكَّةَ إِنْ شَاءَ- وَ إِنْ كَانَ قَدْ أَشْعَرَهُ أَوْ قَلَّدَهُ فَلَا يَنْحَرْهُ إِلَّا يَوْمَ الْأَضْحَى.[[3]](#footnote-3)

اگر مورد این روایت، حج قران باشد، همان اشکال حدیث اول را خواهد داشت و اگر اطلاق داشته باشد و شامل حج تمتع هم بشود، اشکال این است که معلوم نیست که امام علیه السلام این بیان را به عنوان قضیه حقیقیه فرموده باشد، بلکه شاید شخصی خدمت حضرت رسیده باشد و پرسیده باشد که من در عشر اول هدی خود را آورده ام و حضرت جواب داده باشد و شاید حضرت می دانسته این شخص قادر بر ذبح در منی است و لذا قابل اطلاق گیری نیست.

بله، ظاهر قضیه مسمع این است که قضیه حقیقیه است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا دَخَلَ بِهَدْيِهِ فِي الْعَشْرِ- فَإِنْ‌ كَانَ أَشْعَرَهُ وَ قَلَّدَهُ فَلَا يَنْحَرْهُ إِلَّا يَوْمَ النَّحْرِ بِمِنًى- وَ إِنْ كَانَ لَمْ يُقَلِّدْهُ وَ لَمْ يُشْعِرْهُ- فَلْيَنْحَرْهُ بِمَكَّةَ إِذَا قَدِمَ فِي الْعَشْرِ.[[4]](#footnote-4)

ولی مسلما این روایت مربوط به حج قران است که در آن اشعار و تقلید انجام می گیرد که قطعا در صورت عدم تمکن از ذبح به منی، ساقط نیست و باید در جای دیگر ذبح کند.

روایت عبد الاعلی: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا هَدْيَ إِلَّا مِنَ الْإِبِلِ وَ لَا ذَبْحَ إِلَّا بِمِنًى.[[5]](#footnote-5)

در این روایت عبد الاعلی مشترک است و باید ثابت کنیم که یا عبد الاعلی بن اعین العجلی است که اثبات آن مشکل است و یا باید ثابت کنیم که عبد الاعلی آل سام است و ثابت کنیم که ابن ابی عمیر از وی روایت کرده که فقط یک روایت در علل الشرایع این چنین داریم و نمی شود به نسخه این روایت اعتماد کرد با این که در خیلی موارد واو و عن به اشتباه به جای هم نوشته می شده است و علل الشرائع هم که از کتب اصلی حدیثی نیست و در دیگر کتب هم نقل نشده که وثوق حاصل شود.

کما این که آیت الله زنجانی قرینه سیاق را مانع از انعقاد ظهور می داند، لاهدی الا من الابل که امر و نهی نیست که حکم عقل به لزوم امتثال مطرح شود و گفته شود عقل حکم به لزوم می کند، ما دامی که دلیل بر ترخیص نیاید، بلکه در این جا بیان شرطیت می کند و قرینه سیاق، از انعقاد ظهور مانع می شود.

البته ما فقط اشکال سندی داریم و اشکال دلالی را نپذیرفتیم.

لذا به نظر ما همین که ذبح در منی در عید قربان حرج نوعی یا عجز شخصی دارد، برای رجوع به اطلاقات ذبح کافی است، به شرط این که خطاب مطلقی داشته باشیم که به اصل هدی امر کرده باشد و در هنگام شرطیت مطلقه ذبح در منی نسبت به وضع کنونی، به آن اطلاق رجوع کنیم.

اما اگر اطلاقی در دلیل امر به ذبح نسبت به حال عجز از ذبح در منی نداشته باشیم، علم اجمالی حاصل می شود که اگر ذبح در منی شرطیت مطلقه داشته باشد، صوم بدل هدی بر ما واجب است و اگر شرطیت مطلقه نداشته باشد، باید در خارج منی ذبح کنیم و این علم اجمالی منجز است و احتیاطا باید بین صوم بدل الهدی و ذبح بیرون از منی جمع کنیم.

احتمال تخییر هم نمی رود، چون صوم، بدل ذبح است و احتمال تخییر نمی رود، و گرنه اگر احتمال تخییر بدهیم، به نظر ما برائت از تعین هر کدام جاری می شود و نتیجه آن تخییر بین ذبح بیرون از منی و صوم خواهد شد.

### دوشبهه راجع به اطلاق در امر به ذبح

راجع به اطلاق در امر به ذبح، دو شبهه وجود دارد:

شبهه اول این است که اصلا این خطابات در مقام بیان به لحاظ مکان ذبح نیست، در روایات که چنین دلیل مطلقی وجود ندارد و ظهور آیه فما استیسر من الهدی نیز در این است که قربانی خاصی واجب نیست، بلکه هر آن چه می تواند قربانی کند، ولو شاة باشد و ظهور ندارد که از جهت مکان ذبح هم در مقام بیان باشد، علاوه بر این که و لاتحلقوا رووسکم حتی یبلغ الهدی محله، ما یصلح للقرینیة است که هدی، محل دارد، و لذا ضعف مقتضی وجود دارد.

شبهه دوم، ابتلاء به مانع است، بر فرض این که این آیه شریفه در مقام بیان از حیث مکان هم باشد، اما چگونه می خواسته بیان کند که قربانی در منی در شرایطی که در عصر غیبت به وجود خواهد آمد، شرط نیست، و اشکال عامی که قبلا مطرح کردیم پیش می آید که اطلاق گیری نسبت به مواردی که عرفا امکان تقیید نیست، صحیح نمی باشد.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌11؛ 258؛ 5 باب استحباب العدول عن إحرام الحج إلى عمرة التمتع لمن لم يسق الهدي و لم يتعين عليه الإفراد و لم يلب بعد الطواف ؛ ج 11، ص : 254](http://lib.eshia.ir/11025/11/258) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 185؛ 47 باب أن من ترك صوم الثلاثة في ذي الحجة مختارا لزمه دم شاة و لا يجزئه الصوم و مع العذر يصومها في الطريق أو في أهله أو يبعث بالهدي ؛ ج 14، ص : 185](http://lib.eshia.ir/11025/14/185) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 88؛ 4 باب وجوب ذبح الهدي الواجب في الحج بمنى و إن كان في إحرام العمرة فبمكة و يتخير في المندوب ؛ ج 14، ص : 88](http://lib.eshia.ir/11025/14/88) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 90؛ 4 باب وجوب ذبح الهدي الواجب في الحج بمنى و إن كان في إحرام العمرة فبمكة و يتخير في المندوب ؛ ج 14، ص : 88](http://lib.eshia.ir/11025/14/90) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 90؛ 4 باب وجوب ذبح الهدي الواجب في الحج بمنى و إن كان في إحرام العمرة فبمكة و يتخير في المندوب ؛ ج 14، ص : 88](http://lib.eshia.ir/11025/14/90) [↑](#footnote-ref-5)